

## درباره

## مشروطیت

## ایران

حسین ثقفی اعزاز



چهاربرگه از نامه -  
های امیر مخفم بختیاری  
که در آغاز انقلاب در پایگانی  
مخصوص مرحوم میرزا -  
ابراهیم قمی نماینده  
مجلس بوده و سپس بکتابخانه  
نگارنده این سطور منتقل  
گردیده در این مجله  
شریفه منتشر میشود و برای  
استحضار خوانندگان

محترم و بخصوص علاقه مندان  
و جویندگان بعضی نکات  
نهانی از جریان مشروطیت  
مختصر شرحی بمفوان  
مقدمه بر هر کدام از این  
نامه ها آورده میشود. درباره  
نامه امیر مخفم خطاب  
به نصر السلطنه بطوری  
که آقا میرزا ابراهیم  
برای پدرم اعلم الدوله  
اظهار نموده بود نصر -  
السلطنه (سپهدار تنکابنی)  
مکتوب را بدو ارائه داده  
بود تا با اعلم الدوله تماس  
گیرد و گله گزاری خود  
را ابراز نماید تا جریان  
امر مشخص گردد ولی نامه  
نزد میرزا ابراهیم میماند.  
نامه اول - مکتوبی  
است که امیر مخفم بختیاری  
به سپهدار اعظم ( نصر -  
السلطنه تنکابنی ) نوشته  
است و جریان قتل سید  
عبدالحمید را که شنیده  
بود اعلم الدوله ( دکتر  
خلیل خان ثقفی طیب  
مخصوص مظفرالدین شاه )  
برای شاه نقل کرده و قتل  
سید را بتحریر سپهدار  
دانسته بود توضیح داده است.  
نامه دویم - عریضه

## چند

است که امیرمفتح بمیرزا ابراهیم قمی نوشته و از دکتر اعلم الدوله بسیار تعریف نموده است.

**نامه سوم** - مکتوب امیر مفتح است که بمیرزا ابراهیم قمی نوشته و هنگامی است که اعلم الدوله طبیب مخصوص درواپسین اوقات نقاقت مظفرالدین شاه بمخبر السلطنه دستور پاشویه شاه را میدهد - امیرمفتح بختیاری که قبلاً در دارودسته مستبدین بوده و بعد ها بیاری مشروطه - خواهان برخاست و بدانان ملحق گردید اجازه ملاقات شاه بیمار را گرفته و شرفیاب گردیده بود .

**نامه چهارم** - نامه ایست که ایضاً به میرزا ابراهیم قمی نوشته است این نامه هنگامی نوشته شده است که مظفرالدین شاه

## نامه

مرحوم شده است و محمد علی میرزا بسطنت رسیده است خبری را که اعلم - الدوله هنگام ترك ایران از پاریس به سعدالدوله داده بود در این نامه تشریح میشود توضیح آنکه اعلم الدوله مدت دو سال و اندی در

پاریس توقف نموده انجمنی بنام ایران جوان (ایران جوان دوم) تأسیس نموده و علیه محمد علی شاه بمبارزه میپرداخت و از جمله اقدامات درخشانش جلوه گیری از فروش و یا رهن گذاری قسمتی از جواهرات سلطنتی بود که بوسیله اعلامیه های مندرجه در روزنامه های هومانید

HouManide

و لوسوار Le Soir

که تحت امتیاز ژان ژان

زوری رئیس حزب سوسیالیست فرانسه بود .

از فروش جواهرات جلوه گیری بعمل آمد و پخش اعلامیه های ضد -

## در

استبدادی در بعضی جراید دیگر و بزبان فارسی که بوسیله دکتر جلیل خان ندیم السلطنه برادرش بایران و بخصوص آذربایجان ارسال میشد اعلامیه های مذکور بازلاطین تهیه میشد و ارسال اخبار سیاسی دول مختلفه آنچه مربوط بانقلاب ایران بوده است و از جمله نامه هایی که بسعد الدوله میفرستاد .

### نامه اول

حضرت اجل آقای سپهدار

اعظم دامت شوکت

قربات شوم امروز یک

مرتبه خودم آمد و دو مرتبه

آدم فرستادم متأسفانه

منزل تشریف نداشتید

مطلبی بود که باید حتماً

## باره

مطلع میشدید و ضمناً خواستم دوبدو مذاکراتی میکردیم دیشب اطلاع حاصل کرده بودم که بشاه عرض کرده اند ( گویا اعلم الدوله) که عبدالحمید باشاره حضرت اجل عالی کشته شده و وانمود نموده اند که خون سید شوم است و شاه هم میدانید که باین حرفها عقیده مخصوص دارد بکلی خودش را باخته و نگران است تکلیف آدم ضعیف النفس هم که کاملاً معلوم است یکی از اعضاء دربار میگفت شاه از موضوع اطلاع نداشت و

## مشروطیت

فقط عصری اعلم الدوله آنجا بود بعد از رفتن اعلم الدوله شاه خیلی نگران بود و التهاب داشت باید ولو امشب هم شده موضوع را جداً تفتیش و رفع اتهام بنمائید تا سه ساعت از شب رفته منزل منتظر زیارت هستم زیاده زحمت نمیدهد

### نامه دوم

جناب مستطاب آقای آقامیرزا ابراهیم قمی قربانت شوم بعد از مذاکرات حضوری و مراجعت از خدمت جناب عالی و آقای آقا سید عبدالله توفیق زیارت حاصل نشد بهر جهت طبق نقشه قبلی دیروز موفق شدم بازحمت زیادورا هنمائیهای مختار الدوله بحضور اقدس اعلی حضرت همایونی شرفیاب شوم . مظفرالدینشاه حالش خوب نبود خودم هم خجالت کشیدم که مزاحم

## ایران

شدم تب داشت دراز کشیده بود مخیر السلطنه پاشویه میکرد دکتر خلیل خان اعلم الدوله هم ایستاده بود دستور میداد و هم دوا درست میکرد بعد از پاشویه و استراحت بنده را بیالین خودشان احضار و کاملاً آماده گوش دادن مطالب بود بنده اختصاراً همان حرفها و مستدعیات را عرض کردم مخیر السلطنه گوش میداد ناراحت بود از بس خبث طینت دارد شاه مطلب را بلند جواب داد یارو از اول تا آخرش را فهمید دکتر اعلم الدوله خیلی خوش ططرت است برای دوا دادن آمد که در دهان اعلی حضرت بگذارد بدون اینکه خود را براه بزنند تأیید کرد اعلی حضرت قول

مساعد داد اگر مخبر -  
المطلنه موضوع را بمیرزا  
علی اصغر خان اتابک در  
میان نگذارد خوب است  
منکه از این مرد خیلی  
ملاحظه دارم یواشکی و  
آهسته بدکتر خلیل خان  
گفتم مواظب باشد این  
شخص تقنین نکند و اگر  
حرفی زد فوراً بباگوید  
نمیدانم این چندروزه اعلم  
الدوله را ملاقات فرموده  
اید یاخیر بواسطه درد پا  
توانستم شرفیاب شوم  
فردا ناهارا باتفاق آقای  
آقا سید عبدالله تشریف  
بیاورید بنده منزل تا  
بینیم تکلیف چیست و چه باید  
بکنیم و هر چه تصمیم می  
گیریم باید دکتر اعلم الدوله  
را در جریان بگذاریم تا  
در دربار متوجه باشد و  
مراقبت نماید اگر جناب عالی  
باو اطلاع بدهید چنانچه  
فردا بیاید خوب است  
زیاده عرضی ندارم منتظر  
هستم .

نامه سوم

جناب مستطاب آقای  
آقا میرزا ابراهیم قمی  
قربانت شوم دوهفته  
است هر چه فرستاده ام  
معلوم شد بدون خبر دادن

برقفا بودامین تشریف  
برده بودید تا اینکه امروز  
مژده تشریف آوردن  
حضرت عالی را شنیدم بواسطه  
کسالت کمر درد نتوانستم  
شرفیاب شوم بالاخره چند  
روز قبل آن مطلب وسیله  
دکتر خلیل خان اعلم الدوله  
حل شد و اعلیحضرت  
همایونی ارواحنا فداء  
دستخطی صادر فرمودند  
که باصفهان و چهارمحال  
فرستاده ام و چون تاخیر  
جایز نبودنشد نگاهدارم  
که حضرت عالی هم ملاحظه  
فرمائید آقای اعلم الدوله  
که وسیله حضرت عالی افتخار  
ارادت را به ایشان پیدا  
کرده ام واقماً مرد شریفی  
است و فوق العاده صمیمی  
است میخواستم حضرت عالی  
هم ضمن ابلاغ مراتب  
تشکر مخلص از ایشان و  
زحماتی که کشیده اند  
سپاسگزاری فرمائید می  
خواهم بگویم حسن انتخاب  
اعلیحضرت واقماً فقط در  
ایشان صدق پیدا میکند  
که مرد بی نظر و بیقرضی  
است ضمناً با صوابدید  
حضرت عالی میخواهم یک  
ارمغان و تحفه هم بایشان  
تقدیم کنم که موکول بنظر

مبارک است کاش تمام  
اطرافیان دربار مثل این  
مرد جلیل بودند خواهش  
دارم فردا نهار در بنده  
منزل سرافرازم فرمائید  
تاحضراً درددل کنم .


سوم ربیع الاول ۱۳۲۳

نامه چهارم

جناب مستطاب آقای  
آقا میرزا ابراهیم قمی  
بمرض عالی میرساند  
انشاءالله مزاج مبارک سلامت  
است و امور بر وفق منظور  
میگذرد حال ازادتمند  
راهم بخواهید چه عرض  
کنم .

انشاءالله خداوند همرا  
هدایت کند و توفیق دهد  
میدانید صرفنظر از مسلک  
و عقیده سیاسی بنده و  
جناب عالی مسلمان و دوست  
بوده ایم و حفظ مراتب  
دوستی از همه چیز بالاتر  
و والاتر است خبری که  
بمن رسیده اینستکه در  
منزل سعد الدوله طبق  
خبری که از خلیل خان  
اعلم الدوله واصل شده  
مطرح بوده که سفیر روس

در لندن وقتی که نزد وزیر  
 خارجه انگلیس می‌رود  
 انگلیسها مرا و دارودسته  
 ما را راهزن و قطاع -  
 الطريق معرفی و آنها هم  
 بالعکس دارودسته سردار  
 اسعد را و نقل مجلس احرار  
 میشود و ایرانی را در  
 نظر مردم با اختلافات  
 حیدری و نعمتی خفیف و  
 کوچک و سبب نفاق بین  
 ملت میشود و در حقیقت  
 اینها تف سربالاست بخدا  
 قسم است من با آزادی  
 خواهان عناد و لجاج ندارم  
 و همین حرفها باعث دشمنی  
 و عداوت میشود که اسباب  
 سرشکستگی در دنیا است  
 الان با ناراحتی کامل در  
 حسن آباد باقوای دولتی  
 و خودم هستیم در صورتی  
 که میل باطنی من غیر از  
 این است تمنا میکنم این  
 را به آقای سعدالدوله و  
 سایر رفقای خودتان تفهیم  
 فرمائید و هر تصمیمی  
 که اتخاذ بفرمائید برای  
 حفظ شرافت ایرانیت و  
 غیرت ملی و ازاله نفاق  
 و عناد بین برادران وطنی  
 به بنده ابلاغ فرمائید تا  
 با خاطری آسوده تکلیف  
 قطعی و نهائی معلوم شود



Handwritten text in Persian script, likely a letter or document, with a circular seal or stamp in the upper right corner.

خودتان بهترین شاهد  
 صادق هستید که آنچه که  
 گفته ام و قول داده ام  
 خلاف سر نزده است لطفاً  
 این پاکت را که ضمیمه است

باقای سعدالدوله مرحمت  
 فرمائید و خودتان هم  
 مطالبش را تأکید و تأیید  
 فرمائید منتظر ابلاغ تصمیم  
 لازم هستم. زیاده عرضی ندارم.